

سماهه صادقی

بررسی و تبیین زمینه‌های سقوط سلسله پهلوی در آستانه چهلمین سالگرد انقلاب شکوهمند اسلامی، بازاری گرم یافته و در کانون توجه تاریخ‌پژوهان انقلاب قرار گرفته است. این مقوله از منظر این تارنما نیز دور نیست از این‌رو گفت‌ووشنودی که پیش‌رو دارید نیز چنین موضوعی دارد. با سپاس از محقق محترم جناب دکتر یعقوب توکلی که با ما به گفت‌وگو نشستند.

■ ■ ■

در آستانه چهلمین سال پیروزی انقلاب و به عنوان یکی از پژوهشگران عرصه تاریخ معاصر بغرماپید چه علمی‌زمینه‌های سقوط رژیم پهلوی را فراهم ساخت؟

بسم‌الله الرحمن‌رحیم. زمینه‌های سقوط رژیم شاه موضوع گسترده و مفصلی است و باید بحث‌های فراوانی را مطرح کرد که شاید در این فرصت کوتاه مجال چندانی برای طرح همه آنها نباشد اما این زمینه‌ها را می‌توان به دو بخش داخلی و خارجی تقسیم کرد. در خصوص علل خارجی سقوط پیکسو بحث وایستگی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مطرح است و از سوی دیگر مسئله عقب‌ماندگی رژیم پهلوی نسبت به کشورهای دیگر و عمق این عقب‌ماندگی، مهم‌ترین عامل در بین عوامل خارجی نوع وایستگی رژیم پهلوی به غرب یعنی امریکا و انگلیس و نیز اسرائیل است. بعضی از دولت‌ها وابسته هستند، ولی این وابستگی را نوعاً در مسیر بهبود زندگی مردمشان به کار می‌گیرند یا دست‌کم این وابستگی در تضاد با منافع مردم‌امنیت‌دین و فرهنگ آنها نیست، اما وایستگی رژیم پهلوی کاملاً در تضاد با امنیت‌ملی، اجتماعی و اخلاقی جامعه ایران بود. خود رژیم و امریکایی‌ها برای اینکه در برابر این تضاد، یک نوع سپر دفاعی برای خودشان درست کنند، به دنبال بازخوانی و احیای مجدد قانون کابینتولاسیون بودند که تلاش می‌کرد این وابستگی را برای امریکایی‌ها کم‌خطر و کم‌هزینه‌تر کند و چتر سلطه‌ای که آنها روی سر جامعه ایران باز کرده بودند، برایشان پیامدهای کمتری داشته باشد.

زمینه‌های داخلی سقوط رژیم پهلوی را وابسته به چه عواملی می‌دانید؟

در بخش داخلی عوامل سقوط پهلوی ما با سیاست عمیق و گسترده اسلام‌زدایی رژیم پهلوی سر و کار داریم. منظور از اسلام‌زدایی، مواجهه رژیم پهلوی و جریان روشنفکری حاکم در آن زمان با تمام ابعاد اسلام است. اسلام‌زدایی صرفاً به معنای آزادی در ظهور اسلامی نیست، بلکه اسلام‌زدایی یک سیاست مستمر پیوسته و گسترده در عرصه‌های مختلف است. مسئله دیگری که در جامعه به چشم می‌خورد، فقر جامعه بود. از بین ۴ هزار روستا، تنها ۵–۴ هزار روستا آب و برق داشتند. آب هم به صورت فشاری‌هایی بود که در هر محله‌ای می‌گذاشتند و مردم به شکل جمعی از آن استفاده می‌کردند. جامعه از ابتدایی‌ترین امکانات محروم بود و این محرومیت جنبه عمومی داشت و به اشکال مختلف، از جمله بیماری‌ها دیده می‌شد. روزی بیش از ۶ میلیون بنگشه نفت فروش می‌رفت، اما بخش اعظم آن به سلاح‌هایی تبدیل می‌شد که حداقل در آن دوران مصرف نداشتند یا صرف پروژه‌هایی می‌شدند که به درد عموم جامعه نمی‌خورد و در خدمت مردم نبودند و از عین دولت‌های پهلوی می‌کردند. البته بسیاری از دوستان محمدرضا پهلوی این مسائل را به او یادآوری می‌کردند، اما شاه دائماً پاسخ می‌داد: شما چرا فقط قسمت پایین شهر را می‌بینید؟ به شمال شهر تهران بروید و ببینید که چقدر آباد و تمیز است!

در آمدهای کشور به جیب شرکت‌های چندملیتی می‌رفت و جابه‌جایی پول بقدری سریع و آشکار بود که جامعه کاملاً آن را احساس می‌کرد. فقر و عقب‌ماندگی در جامعه یک معضل بسیار جدی بود. در عین حال گوش حکومت نسبت به شنیدن گرفتاری‌های جامعه ناشنوا بود و این ناشنوایی را با چماق و شکنجه ساواک و تیرخوی نظامی و زندان‌مرمی اعمال می‌کرد. وقتی می‌گوییم ناشنوا بود، یعنی سیستم اصلاً راه نمی‌داد مردم حرفشان را بزنند و صدای مردم را نمی‌شنید و آنچه را که مردم در زمینه بهبود وضعیت، کاهش فشار اقتصادی، کاهش فشار سیستم امنیتی و سیاسی فریاد می‌زدند، به هیچ می‌گرفت و اهمیت نمی‌داد. اما مشکل ناشنوایی رژیم پهلوی یعنی اینکه قدرت تعالی ما در مردمانداشت. به‌علاوه اینکه حکومت به دلیل وقوع چند کودتا مشروعیت خود را در سطح جامعه از دست داده بود.

چه عللی سبب شده بود حکومت به واسطه آن کودتاها مشر و سببش را از دست بدهد؟

رژیم پهلوی در سال‌های ۱۲۹۹ و ۱۳۲۲ علیه مردم دست به کودتا زد و این کودتا با سبیل گسترده سلاح‌هایی که به ایران می‌آمد و با حجم نظیم نیروی نظامی‌ای که تربیت می‌شدند، همواره علیه مردم تقویت می‌شد. پس مسئله دیگر فقدان مشروعیت رژیم است؛ فقدان مشروعیتی که جامعه آن را تا بین‌ندان حس می‌کرد. حتی در جریان بازی فوتبال ایران و اسرائیل وقتی مردم حمله می‌کنند و به بعضی جاما آسیب می‌رسانند، محمدرضا پهلوی به علم می‌گوید: «مردم تربیت ندارند و در ک نمی‌کنند که ما چه چیزهایی برای آنها ساختیم.» علم هم در پاسخ می‌گوید: «اتفاق مردم تربیت دارند، اما ما و شما را به چشم یک نیروی اشغالگر خارجی می‌بینند و به همین دلیل هم هر چه را که توانسته‌اند از بین برده و نابود کرده‌اند، لذا هر وقت فرصت پیدا کنند، هر چیزی را که دم دستشان بیاید تخریب می‌کنند و از بین می‌برند.» این نکته مهمی است که در خاطرات علم آمده است. در نتیجه خودشان هم به این مسئله اذعان داشتند.

مسئله دیگری که در داخل به وجود آمد، شدت خفقان بود. جامعه به‌شدت زیر فشار ساواک و نیروهای انتظامی و جاسوس‌های مختلف و احساس شندو یا شیء‌شوند بود و همه اینها جامعه را ناامن می‌کرد و فضای سنگینی را به وجود آورده بود. به‌طوری‌که همه علاقه‌مند بودند این فضا بشکند و آزادی حاصل شود و جامعه از غلبه فضای اطلاعاتی یا شیء‌اطلاعاتی رهایی پیدا کند، لذا این هم یکی از دلایل هم‌راهی مردم با یکدیگر برای سقوط رژیم شاه بود. از طرفی در طیف مقابل رژیم پهلوی، مردمی که با مخالفان رژیم همراه شده بودند، اکثریت را تشکیل می‌دادند و به‌قدری استدلال و شعار آنها قوی و رفتارشان مسالمت‌آمیز و متین بود که به تدریج طرف‌داران رژیم پهلوی دست از حمایت او کشیدند و نیروهای نظامی نتوانستند از رژیم شاه حمایت کنند و این باعث شد حاکمیت، حمایتی را که طرف‌دارانش باید از او به عمل می‌آورده‌اند، از دست بدهد.

این روزها این موضوع مطرح است که به دلیل فروش نفت با قیمت بالا در دهه ۵۰، جامعه روجه پیشرفت و در آرامش بود، ولی از اسناد و مدارک چنین برمی آید که در سال ۵۶ هتگاه بود که نفت با قیمت پیدا کرد، یک تورم ۲۵ درصدی را به همراه آورد و اعتراضاتی را برانگیخت. به نظر شما فروش نفت عامل اعتراضات بود یا تحول اقتصادی را به همراه آورد؟

بله، قدرت خرید ما به واسطه افزایش قیمت نفت بالا رفت ولی وقتی قدرت خرید جامعه بالا می‌رود، آیا این به ثروت در جامعه تبدیل می‌شود یا به ضد ثروت؟ یک وقت هست که شما پول دارید و با آن کالای خاصی را می‌خرید و به واسطه خرید کالای داخلی، از تولیدکننده داخلی حمایت می‌کنید و ظرفیت اقتصادی تولیدکننده داخلی بالا می‌رود، اما وقتی شما پول به دست می‌آورید و به جای خرید از تولیدکننده داخلی از خارج کالا وارد می‌کنید و آن را از آن‌تر از تولید داخلی در اختیار مصرف‌کننده قرار می‌دهید، زندگی تولیدکننده داخلی را نابود و او را مجبور می‌کنید که یا کالایش را از آن‌تر بفروشد یا تولید را رها کند. مثلاً شما ۱۰ هزار جفت کفش تولید کرده‌اید و بعد ناگهان یک کشتی کفش با قیمت ارزان تر وارد می‌شود. دامپینگ می‌کنند و در نتیجه کشتی‌ی ارزان‌تر از کفش تولید داخل به دست شما می‌سد، به‌طوری‌که اگر شما کفش‌تان را به قیمت تمام‌شده هم بفروشید ضرر می‌کنید و نابودی می‌شوید. این عارضه متأسفانه شامل تمام کالاهای

که در کشور تولید می‌شد، شد. سال ۵۶ هجری اقتصاد رژیم یعنی است که ۲۲ میلیارد دلار در آمد حاصل از فروش نفت داریم و ۲۴ میلیارد واردات کالاهای مصرفی است، یعنی ۲ میلیارد بیشتر از میزان فروش نفت کالای مصرفی وارد کرده‌ایم. با آوردن کالاهای خارجی هم عملاً کمر کالاهای داخلی شکست، لذا در زمان انقلاب همه اقشار از چوپان گرفته تا خلبان علیه رژیم متحد شدند. یعنی از مدرن‌ترین بخش جامعه تا ساده‌ترین بخش همه نارضی می‌بودند. چرا؟ چون اگر جمع‌الجمع سیاست‌های اقتصادی را ببینید، همیشه به نفع شرکت‌های بین‌المللی بوده است، یعنی کاملاً مشخص است که شرکت‌های چندملیتی وقتی یک کشوری حکومت می‌گردند سرنوش‌ت آن کشی را در اختیار داشتند. در نتیجه به‌طور طبیعی همه مردم از آن وضعیت ناراضی شدند و به میدان آمدند.

این نکته خودشان هم به این مسئله اذعان داشتند.

غربی‌ها وقتی فهمیدند نمی‌توانند انقلاب ایران را مهار کنند، تصمیم گرفتند کمی با آن همراهی کنند. بنابراین بختیار را سر کار آوردند. بعد سعی کردند با دولت موجود همراه شوند اما باز نتیجه نگرفتند. حتی اقدام به خشونت کردند و خواستند در روز ۲۱ بهمن کودتا کنند، ولی باز نتیجه نگرفتند. در نهایت حمله به طبرس را طراحی کردند، واقعیت این بود که امریکا در مواجهه با انقلاب اسلامی دچار ناکار آمدی مضاعف و گسترده شد



محمد حسین زاری

نگاهی به علل سقوط سلسله پهلوی در گفت‌وشنود «جوان» با دکتر یعقوب توکلی

جامعه دیگر زیر بار اباطیل نظام سلطنتی نمی‌رود

این کالاهای مصرفی شامل چه مواردی می‌شدند؟

پنیر، شیر خشک، میوه، برنج، گوشت یخی و تمام چیزهایی که پیش از آن در داخل کشور تولید می‌شدند یا دست‌کم می‌شد برای آنها ظرفیت تولید ایجاد کرد، اما رژیم پهلوی مثلاً با آوردن پنیر دانمارکی، پنیر تبریز را از دور خارج کرد. با آوردن روغن مارگارین، روغن داخلی را از دور خارج کرد.

با توجه به حمایت‌های امریکا از رژیم پهلوی به چه علت در کنفرانس گوادلوپ به شاه توصیه کردند مدتی از کشور دور باشد و بختیار را جایگزین خود کند؟

غربی‌ها وقتی فهمیدند نمی‌توانند انقلاب ایران را مهار کنند، تصمیم گرفتند کمی با آن همراهی کنند تا بتوانند بر موج آن سوار شوند. انگلیسی‌ها این نکته را در مشروطه تجربه کرده بودند، بنابراین بختیار را سر کار آوردند، بعد سعی کردند با دولت موقت همراه شوند و سیاست همکاری را در پیش بگیرند، اما باز نتیجه نگرفتند. حتی اقدام به خشونت کردند و خواستند در روز ۲۱ بهمن کودتا کنند ولی باز نتیجه نگرفتند. در نهایت حمله به طبرس را طراحی کردند و دوباره شکست خوردند. واقعیت این بود که امریکا در مواجهه با انقلاب اسلامی دچار ناکار آمدی مضاعف و گسترده شد.

بیماری محمدرضا پهلوی چقدر در سقوط حکومتش تأثیر گذار بود؟

این هم یکی از بدبباری‌های محمدرضا در آن زمان بود. وقتی فهمید سرطان گرفته و سرطانش هم پیشرفته است، علقش نرسید استعفا بدهد و بگوید من سرطان گرفته‌ام لذا کنار می‌روم. آنقدر از مردم گشت و با آنها مواجه کرد که تبدیل به دشمن خونی مردم شد. در بسیاری از نقاط دنیا وقتی مردم تظاهرات می‌کنند، پادشاهان استعفا می‌دهند و کنار می‌روند، اما عقل محمدرضا پهلوی به این هم نرسید حالا که بیمار است و زنده نخواهد ماند، خودش کنار برود. آنقدر برای نگهداری تاج و تختش مقاومت کرد که در نتیجه همه چیز برای پهلوی هاسوخت.

وضعیت روحی او هم در این مسئله تأثیری داشت؟

بله، از نظر عقلانی تأثیر داشت. محمدرضا به اندازه کافی

عاریخ

کفتوگو ۸۸۴۹۸۴۷۹

این کوتاهی مسئولان هم سبب شد طرف مقابل نیروهایش را بهتر تقویت کند؟

دقیقاً در آن طرف نسل چهارم تاریخ‌نگاران مخالف انقلاب اسلامی پدید آمدند. هر چیزی را که نوشتند تکثیر و هر دروغی را که ساختند بلافاصله منتشر کردند اما ما در داخل چه کرده‌ایم؟ الان مثلاً عده‌ای جوان راجع به مهندس بازرگان فیلمی ساخته‌اند به نام «راه طی شده». تمام فیلم شامل گفت‌وگوی اعضای نهضت آزادی با کارگردان است و صدا و صحبت‌هایشان عیناً منعکس شده است اما همین فیلم که از یک ساعت، ۴۶ دقیقه‌اش حرف این آقایان و ۱۵ دقیقه باقی‌اش نریسن، در نشریات متعدّد از جمله روزنامه سازندگی، مجله صدا و… به‌شدت بمباران شده است. در صورتی که همه حرف‌های خود اعضا بوده مثل خانی‌نمی‌آسدی، نوید بازرگان، آقای توسلی و… اینها ۱۵ دقیقه نریشن را هم تحمل نکردند و در کشور الم‌شنگه راه انداختند و الان برای همه این سؤال مطرح شده که داستان «راه طی شده» چیست؟ یا در فیلم یک‌ساعته یک جوان دهه‌شصتی چه چیزی وجود دارد که اینطور بافتش سرصدا به راه افتاده است.

تحریفی در آن فیلم صورت گرفته است؟
خیر، تحریفی هم صورت نگرفته است. البته ما این حرف‌ها را سال‌ها سال است که داریم به مقامات می‌گوییم که در زمینه‌های مختلف انقلاب اسلامی حرف برای گفتن داریم، منتها آقایان به امثال آقای نوری‌زاد پول هنگفت می‌دهند که برود «پرچم قلعه کاره» را، باسازد یا مثلاً پول می‌دهند یکسری شومن بیابند و برنامه‌های سخیف بسازند.

علت کم رغبتی برخی مسئولان نسبت به پژوهش‌های انقلابی را چه می‌دانید؟
اصلاً برایشان مهم نیست. می‌شود بروید الی‌ماشالله خرج سریال‌های عشقی چندضلعی کنید و برایتان کف بزنند، ولی این سریال‌ها چه مفهومی را می‌خواهد به‌بیننده منتقل کند؟ نمی‌گویم کار بدی است، منتها در میان این همه کار که انجام می‌شود کارهای اصلی روی زمین مانده‌اند. جالب است در کارهایی هم که انجام می‌شوند، بنیاد فکری را به دست کسانی می‌سپارند که مخاطب ته قصه‌ها به حسرت گذشته و روضاخان و پهلوی‌ها می‌نشینند. این نوع حرکت در نظام آموزش و پرورش، نظام آموزش عالی و تمام زمینه‌های فرهنگی ما دارد انجام می‌شود. هر جا هم رفیم و اعتراض کردیم که مثلاً چرا کتاب‌هایمان اینگونه است، چویش را خوردیم. آقایان اصلاً حاضر نیستند برای نیروهای انقلاب کمترین امکانات را بگذارند و کمترین فرصت را فراهم کنند، ولی الان اگر یک نفر از آن طرف بیاید، فوراً توبیخش می‌گیرند.

پژوهش‌های انقلابی را چه می‌دانید؟
اصلاً برایشان مهم نیست. می‌شود بروید الی‌ماشالله خرج سریال‌های عشقی چندضلعی کنید و برایتان کف بزنند، ولی این سریال‌ها چه مفهومی را می‌خواهد به‌بیننده منتقل کند؟ نمی‌گویم کار بدی است، منتها در میان این همه کار که انجام می‌شود کارهای اصلی روی زمین مانده‌اند. جالب است در کارهایی هم که انجام می‌شوند، بنیاد فکری را به دست کسانی می‌سپارند که مخاطب ته قصه‌ها به حسرت گذشته و روضاخان و پهلوی‌ها می‌نشینند. این نوع حرکت در نظام آموزش و پرورش، نظام آموزش عالی و تمام زمینه‌های فرهنگی ما دارد انجام می‌شود. هر جا هم رفیم و اعتراض کردیم که مثلاً چرا کتاب‌هایمان اینگونه است، چویش را خوردیم. آقایان اصلاً حاضر نیستند برای نیروهای انقلاب کمترین امکانات را بگذارند و کمترین فرصت را فراهم کنند، ولی الان اگر یک نفر از آن طرف بیاید، فوراً توبیخش می‌گیرند.

پژوهش‌های انقلابی را چه می‌دانید؟

اصلاً برایشان مهم نیست. می‌شود بروید الی‌ماشالله خرج سریال‌های عشقی چندضلعی کنید و برایتان کف بزنند، ولی این سریال‌ها چه مفهومی را می‌خواهد به‌بیننده منتقل کند؟ نمی‌گویم کار بدی است، منتها در میان این همه کار که انجام می‌شود کارهای اصلی روی زمین مانده‌اند. جالب است در کارهایی هم که انجام می‌شوند، بنیاد فکری را به دست کسانی می‌سپارند که مخاطب ته قصه‌ها به حسرت گذشته و روضاخان و پهلوی‌ها می‌نشینند. این نوع حرکت در نظام آموزش و پرورش، نظام آموزش عالی و تمام زمینه‌های فرهنگی ما دارد انجام می‌شود. هر جا هم رفیم و اعتراض کردیم که مثلاً چرا کتاب‌هایمان اینگونه است، چویش را خوردیم. آقایان اصلاً حاضر نیستند برای نیروهای انقلاب کمترین امکانات را بگذارند و کمترین فرصت را فراهم کنند، ولی الان اگر یک نفر از آن طرف بیاید، فوراً توبیخش می‌گیرند.
ما الان در چهار حوزه شهبات پهلوی‌ها در جامعه جایفتد؟

مقامات شورای انقلاب فرهنگی می‌گفت وظیفه ما در تاریخ‌ن کردن شهبات نیست، شهبات باید دیدگان رف کنند. گفتند دیگری وجود ندارند. این ما هستیم که باید دفاع کنیم. امام صادق(ع) می‌فرماید: «من حاضر هستم با شلاق بر سر اصحابم بزنم که ببینند به همین آقایان فرصت می‌دهند و شما توقع دارید که شهبات پهلوی‌ها در جامعه جایفتد؟

دو سال پیش در یکی از جلسات دانشگاهی، یکی از مقامات شورای انقلاب فرهنگی می‌گفت وظیفه ما در تاریخ‌ن کردن شهبات نیست، شهبات باید دیدگان رف کنند. گفتند دیگری وجود ندارند. این ما هستیم که باید دفاع کنیم. امام صادق(ع) می‌فرماید: «من حاضر هستم با شلاق بر سر اصحابم بزنم که ببینند به همین آقایان فرصت می‌دهند و شما توقع دارید که شهبات پهلوی‌ها در جامعه جایفتد؟

دو سال پیش در یکی از جلسات دانشگاهی، یکی از مقامات شورای انقلاب فرهنگی می‌گفت وظیفه ما در تاریخ‌ن کردن شهبات نیست، شهبات باید دیدگان رف کنند. گفتند دیگری وجود ندارند. این ما هستیم که باید دفاع کنیم. امام صادق(ع) می‌فرماید: «من حاضر هستم با شلاق بر سر اصحابم بزنم که ببینند به همین آقایان فرصت می‌دهند و شما توقع دارید که شهبات پهلوی‌ها در جامعه جایفتد؟

دو سال پیش در یکی از جلسات دانشگاهی، یکی از مقامات شورای انقلاب فرهنگی می‌گفت وظیفه ما در تاریخ‌ن کردن شهبات نیست، شهبات باید دیدگان رف کنند. گفتند دیگری وجود ندارند. این ما هستیم که باید دفاع کنیم. امام صادق(ع) می‌فرماید: «من حاضر هستم با شلاق بر سر اصحابم بزنم که ببینند به همین آقایان فرصت می‌دهند و شما توقع دارید که شهبات پهلوی‌ها در جامعه جایفتد؟

نفوذ دشمن در این بی‌توجهی فرهنگی تأثیری ندارد؟

من نمی‌گویم نفوذ نیست. نفوذ هست، اما بیش از همه نفوذ توسط خودی‌هایمان صورت می‌گیرد و آنها هستند که بستر مناسب را برای نفوذ افکار غلط فراهم می‌کنند. این روزها کتابی را که در باره تمل پیوسته رهبران عرب در برابر صهیونیست‌هاست دارم ترجمه و غلط‌گیری می‌کنم. واقعاً انسان از این همه تعلل‌خسته می‌شود. دلماً اقام و سپس عقب‌نشینی می‌کنند، از اقدام می‌ترسند، حرکتی نمی‌کنند و در برابر حرکت‌های صهیونیست‌ها مدحوش هستند. این سکران و مدحوش بودن اینها را زمین زده است.

یعنی امروز مسئولان فرهنگی ما چنین عملکردی دارند؟

بله، ما هم متأسفانه در عرصه‌های مختلف گرفتار این وضعیت شده‌ایم. مثل اینکه آقایان مدحوش هستند. سیانمایی نمی‌کنم و اصلاً هم قائل به سیانمایی نیستم. معتقدم ما فرصت، قدرت، امکانات و منابع

جوان

زیادی داریم، منتها مسئولان سعی کرده‌اند کاری کنند که نیروهای انقلاب دوباره وارد بدنه مدیریتی کشور نشوند، چون اگر آنها وارد بدنه مدیریتی شوند، برایشان مزاحم پیدا می‌شود و خیلی از اتفاقات نمی‌افتند و موضوعاتی که کشف نشده‌اند، برملا می‌شوند. اینگونه کارها را در حضور نیروهای انقلاب نمی‌شود. انجام داد، لذا روند هوشمندانه بی‌سر و صدایی را با قیافه‌سازی وادی دینداری پیش می‌برند.

تبلیغاتی که امروزه در جهت تطهیر رژیم پهلوی انجام می‌گیرد را چطور تحلیل می‌کنید؟

به نظر من عقلانیت در جامعه ما به دلیل پیوندی که با نظام عقلانی شیعه خورده، بسیار ارتقا پیدا کرده است. منطلق فکری جامعه ما آنقدر رشد کرده است که دیگر زیر بار افسانه‌ها و اباطیل نظام شاهنشاهی نمی‌رود. احمقانه‌ترین گمان در ساره جامعه ایران این است که فکر کنیم نظام شاهنشاهی مجدداً در جامعه ایران احیا یا تبدیل به آرزوی مردم ما شود، اما یک واقعیت وجود دارد و آن هم این است که با ضعف کارکرد مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در حوزه عدالت، چه در حوزه سیاست‌گذاری، چه در حوزه اقتصاد و چه در حوزه فرهنگ و عدم حل مشکلات جامعه به‌شدت آسیب‌پذیر شده‌ایم. ما در جامعه یکسری مشکلات و توقعات نابجا داریم که در اثر مبتنی بر آنها توقعاتی داریم. به دلیل ضعف مدیریت مسئولان در حوزه‌های مختلف، چه در